

ملحق (٤): تهیو العدة (٣١٣) پیوست چهارم: آماده شدن ٣١٣ نفر

« 2- حدثنا محمد بن أحمد الشيباني رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن أبي عبد الله الكوفي، عن سهل بن زياد الأدي، عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني قال: قلت لمحمد بن علي بن موسى (عليهم السلام): إني لأرجو أن تكون القائم من أهل بيت محمد الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، فقال (عليه السلام): يا أبا القاسم: ما منا إلا وهو قائم بأمر الله عز وجل، وهاد إلى دين الله، ولكن القائم الذي يظهر الله عز وجل به الأرض من أهل الكفر والجحود، ويملأها عدلاً وقسطاً هو الذي تخفى على الناس ولادته، ويغيب عنهم شخصه، ويحرم عليهم تسميته، وهو سمي رسول الله (صلى الله عليه وآله) وكنيه، وهو الذي تطوي له الأرض، ويذل له كل صعب [و] يجتمع إليه من أصحابه عدة أهل بدر: ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً، من أقاصي الأرض، وذلك قول الله عز وجل: "أينما تكونوا يأت بكم الله جميعاً إن الله على كل شئ قدير" فاذا اجتمعت له هذه العدة من أهل الاخلاص أظهر الله أمره، فإذا كمل له العقد وهو عشرة آلاف رجل خرج بإذن الله عز وجل، فلا يزال يقتل أعداء الله حتى يرضى الله عز وجل» [850].

عبدالعظيم حسنی می گوید: (به محمد بن علی بن موسی (ع) عرض کردم: من امیدارم که شما قائم اهل بیت باشید، که زمین را پر از عدل و داد می کنید، همان طور که از ظلم و ستم پر شده است. ایشان (ع) فرمود: ای ابوالقاسم! هیچ یک از ما نیست، مگر این که قائم به دستور خداوند عزوجل و هدایت کننده به دین خداوند است. ولی قائمی که خداوند به وسیله ی او زمین را از اهل کفر و انکار پاک می کند، و آن را پر از عدل می کند، اوست که ولادتش بر مردم پنهان است و شخصیت او بر آنان پنهان است و نامیدن او بر آنان حرام است و او هم نام رسول الله (ص) و هم کنیه ی اوست؛ و اوست که زمین برایش پیچیده می شود و هر سختی برایش رام می شود و یارانش که به اندازه ی اهل بدر، ٣١٣ مرد هستند، از اطراف برایش جمع می شوند و این همان سخن خداوند عزوجل است: «هر

کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد. در حقیقت خدا بر همه چیز تواناست». وقتی که این تعداد از اهل اخلاص برایش جمع شوند، خداوند امر او را آشکار می کند. پس هنگامی که پیمان برایش تکمیل شود، که ده هزار مرد هستند، با اجازه‌ی خداوند عزوجل خروج می کند. دشمنان خداوند را دائماً می گُشد تا این که خداوند عزوجل خشنود شود). [851]

« 20- وبهذا الاسناد، عن الحسين بن سعيد، عن ابن أبي عمير، عن أبي أيوب، عن أبي بصير قال: سأل رجل من أهل الكوفة أبا عبد الله (عليه السلام): كم يخرج مع القائم (عليه السلام)؟ فإنهم يقولون: إنه يخرج معه مثل عدة أهل بدر ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً، قال: وما يخرج إلا في أولى قوة، وما تكون أولوا القوة أقل من عشرة آلاف» [852].

ابوبصیر می گوید: (مردی از اهل کوفه از امام صادق (ع) پرسید: با قائم (ع) چه تعدادی خروج می کنند؟ آنان می گویند: با ایشان مانند تعداد اهل بدر که ۳۱۳ مرد بودند، خروج می کنند. فرمود: فقط به اندازه‌ی قدرتمندان خروج می کنند. و قدرتمندان کمتر از ده هزار نفر نیستند). [853]

« 4- حدثنا أبو سليمان أحمد بن هوزة الباهلي، قال: حدثنا أبو إسحاق إبراهيم بن إسحاق النهاوندي سنة ثلاث وسبعين ومائتين، قال: حدثنا عبد الله بن حماد الأنصاري سنة تسع وعشرين ومائتين، عن رجل، عن أبي عبد الله (عليه السلام) أنه دخل عليه بعض أصحابه، فقال له: " جعلت فداك، إني والله أحبك وأحب من يحبك، يا سيدي ما أكثر شيعتكم. فقال له: أنكرهم. فقال: كثير. فقال: تحصيهم؟ فقال: هم أكثر من ذلك. فقال أبو عبد الله (عليه السلام): أما لو كملت العدة الموصوفة ثلاثمائة وبضعة عشر كان الذي تريدون، ولكن شيعتنا من لا يعدو صوته. سمعه، ولا شحناؤه بدنه، ولا يمدح بنا معننا، ولا يخاصم بنا قاليا، ولا يجالس لنا عائبا، ولا يحدث لنا ثالبا، ولا يحب لنا مبغضا، ولا يبغض لنا محبا.

فقلت: فكيف أصنع بهذه الشيعة المختلفة الذين يقولون إنهم يتشيعون؟ فقال: فيهم التمييز، وفيهم التمحيص، وفيهم التبدل، يأتي عليهم سنون تفنيهم، وسيف يقتلهم، واختلاف يبدهم. إنما شيعتنا من لا يهر هريز الكلب، ولا يطمع طمع الغراب، ولا يسأل الناس بكفه وإن مات جوعا.

فقلت: جعلت فداك، فأين أطلب هؤلاء الموصوفين بهذه الصفة؟ فقال: اطلبهم في أطراف الأرض أولئك الخفيض عيشهم، المنتقلة دارهم، الذين إن شهدوا لم يعرفوا، وإن غابوا لم يفتقدوا، وإن مرضوا لم يعادوا، وإن خطبوا لم يزوجوا، وإن ماتوا لم يشهدوا، أولئك الذين في أموالهم يتواسون، وفي قبورهم يتزاورون، ولا تختلف أهواؤهم وإن اختلفت بهم البلدان"» [854].

مردی می گوید: (یکی از یاران امام صادق (ع) بر ایشان وارد شد و به ایشان عرض کرد: فدایتان شوم. به خدا قسم! من شما و افرادی را که دوستان دارند، دوست می دارم. آقای من! چقدر شیعیان ما بسیار هستند. ایشان به او فرمود: آنان را ذکر کن. عرض کرد: بسیار هستند. فرمود: آنان را به شمارش بیاور. عرض کرد: آنان بیش از این ها هستند. امام صادق (ع) فرمود: هر گاه آن عده‌ی وصف شده که سیصد و ده نفر و اندی هستند، شمارشان کامل شود، آنگاه چنان که شما می خواهید، خواهد شد؛ ولی شیعه‌ی ما کسی است که صدایش از حدّ گوشش نمی گذرد و نیز کینه و ناراحتی درونش از حدّ پیکر تجاوز نمی کند، و ما را آشکار نمی ستاید و با دشمنان ما نمی ستیزد، و با عیب جویان ما هم نشینی نمی کند، و با بدگویان ما هم سخن نمی شود و آنان را که با ما دشمن هستند، دوست نمی دارد و با دوستان ما دشمنی نمی ورزد. عرض کردم: پس چه کنم با این شیعیان گوناگون که گویند ما بر طریق تشیع هستیم؟ فرمود: اینان خود گرفتار جدایی و آزمایش خواهند گشت و تبدیل و جابجایی در میان شان رخ خواهد داد و به قحطی و کمبود که نابودشان سازد مبتلا شوند و شمشیری خون شان بریزد و اختلافاتی به هم رسد که پراکنده شان کند. همانا شیعه‌ی ما کسی است که همچون سگان پارس نکند و همانند کلاغ حرص نورزد و نزد مردم به گدایی دست نیازد، اگر چه

از گرسنگی بمیرد. عرض کردم: فدایت شوم، چنین افرادی را که به این صفات موصوفند، در کجا جستجو کنم؟ فرمود: آنان را در گوشه و کنار زمین بجوی، آنان کسانی هستند که زندگی سبکی دارند و خانه به دوش هستند. اگر حاضر باشند، شناخته نمی‌شوند و اگر از نظرها پنهان شوند، کسی متوجه آنان نمی‌گردد و اگر بیمار شوند، عیادت نمی‌شوند و اگر خواستگاری کنند، با آنان ازدواج نشود و اگر وفات یابند، بر جنازه‌ی آنان کسی حضور نیابد؛ آنان کسانی هستند که در اموال‌شان با یکدیگر مواسات میکنند و در قبرهای خود با یکدیگر دیدار و ملاقات دارند و خواسته‌هایشان با یکدیگر برخورد و اختلاف پیدا نمی‌کند، هر چند از شهرهای گوناگون باشند). [855]

« 12- أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد بن عقدة، قال: حدثنا علي بن الحسن بن فضال، قال: حدثنا محمد بن حمزة ومحمد بن سعيد، قالا: حدثنا عثمان بن حماد بن عثمان، عن سليمان بن هارون البجلي، قال: قال: " سمعت أبا عبد الله (عليه السلام): يقول: إن صاحب هذا الأمر محفوظة له أصحابه لو ذهب الناس جميعا أتى الله له بأصحابه، وهم الذين قال الله عز وجل: (فإن يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا بها قوما ليسوا بها بكافرين)، وهم الذين قال الله فيهم: (فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه أذلة على المؤمنين أعزة على الكافرين)» [856].

سليمان بن هارون بجلی می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: یاران صاحب الامر برایش مورد محافظت قرار می‌گیرند. اگر همه‌ی مردم بروند، خداوند یارانش را می‌آورد. آنان افرادی هستند که خداوند عزوجل در مورد آنان فرمود: «و اگر اینان به آن کفر ورزند بی‌گمان گروهی [دیگر] را بر آن گماریم که به آن کافر نباشند»؛ و آنان افرادی هستند که خداوند در مورد آنان فرمود: «به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند [اینان] با مؤمنان فروتن [و] بر کافران سرسختند».

« 157- حدثنا نعيم، حدثنا سعيد أبو عثمان عن جابر عن أبي جعفر، قال: ثم يظهر المهدي بمكة عند العشاء، ومعه راية رسول الله صلى الله عليه وسلم، وقميصه وسيفه وعلامات ونور وبيان، فإذا صلى العشاء نادى بأعلى صوته يقول: أذكركم الله أيها الناس ومقامكم بين يدي ربكم، فقد اتخذ الحجة، وبعث الأنبياء، وأنزل الكتاب، يأمركم أن لا تشركوا به شيئاً، وأن تحافظوا على طاعته وطاعة رسوله صلى الله عليه وسلم، وأن تحيوا ما أحى القرآن، وتميتوا ما أمات، وتكونوا أعواناً على الهدى ووزراً على التقوى، فإن الدنيا قد دنا فناؤها وزوالها، وأذنت بالوداع، وإني أدعوكم إلى الله وإلى رسوله صلى الله عليه وسلم، والعمل بكتابه، وإماتة الباطل، وإحياء سنته، فيظهر في ثلاثمائة وثلاثة عشر رجلاً عدة أهل بدر على غير ميعاد قزعا كقزع الخريف، رهبان بالليل، أسد بالنهار، فيفتح الله (للمهدي) أرض الحجاز، ويستخرج من كان في السجن من بني هاشم، وتنزل الرايات السود الكوفة، فيبعث بالبيعة إلى المهدي، ويبعث المهدي جنوده إلى الآفاق، ويميت الجور وأهله، وتستقيم له البلدان، ويفتح الله على يديه» [857].

جابر از امام باقر (ع) روایت نموده است که فرمود: سپس مهدی در مکه هنگام عشا ظهور می کند و با ایشان پرچم رسول الله (ص) و لباس و شمشیر و نشانه ها و نور و بیان است. وقتی عشا را بخواند، با صدای بلندش صدا می زند: ای مردم! پروردگار را به یادتان می آورم، درحالی که در مقابل پروردگارتان هستید. او حجت را گرفته است و پیامبران را برانگیخته است و کتاب را فرستاده است. به شما دستور داده است تا به او هیچ شرکی نورزید؛ و به اطاعت او و اطاعت از رسولش (ص) محافظت نمایید؛ و آنچه را که قرآن زنده نموده است، زنده کنید و آنچه را که از بین برده است، از بین ببرید؛ و یارانی برای هدایت باشید و تکیه گاه هایی برای تقوا باشید. فنای دنیا و از بین رفتن آن نزدیک شده است و اجازه ی وداع داده شده است. من شما را به خداوند و به رسولش (ص) و عمل به کتابش و از بین بردن باطل و زنده کردن سنتش دعوت می کنم. پس در آن میان سیصد و سیزده مرد به اندازه ی تعداد اهل بدر آشکار می شود، بدون این که قرار قبلی داشته باشند، مانند

ریختن برگ درختان پاییزی. راهبانی در شب و شیرانی در روز هستند. خداوند برای مهدی، زمین حجاز را فتح می کند و همه ی زندانیان بنی هاشم را آزاد می کند؛ و پرچم های سیاه در کوفه فرود می آیند و برای بیعت به سوی مهدی می فرستند؛ و مهدی لشکریانش را به سرزمین ها می فرستد و ستم و اهلش را از بین می برد و شهرها برایش استوار می شوند و خداوند با دستان او فتح می کند.)

[858]

[850]. کمال الدین و تمام النعمة - الصدوق: ص 377.

[851]. کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، ص 377.

[852]. کمال الدین و تمام النعمة - الصدوق: ص 654.

[853]. کمال الدین و تمام النعمة، صدوق، ص 654.

[854]. الغيبة - النعماني: ص 211.

[855]. غیبت، نعمانی، ص 211.

[856]. الغيبة - النعماني: ص 330.

[857]. الملاحم والفتن - ابن طاووس: ص 137.

[858]. غیبت، نعمانی، ص 330.